Explaining the Model of Cultural Planning of Urban Parks

Leila Medghalchi[1*], Morteza Mirgholami[2], Mehdi Nilipour[3]
1 Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.
2 Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.
3 PhD Candidate in Islamic Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.
(Received 22 Oct 2020, Accepted 23 Jan 2021)

In Iran, urban parks are one of the most important urban spaces. In the most recent decades, with the changes that have taken place in the Iranian way of life, social interactions and the type of activity of people in urban parks have changed. What needs to be considered in this regard is how to plan for urban parks for the use of different age and sex groups. To do that, you need to discover the cultural resources of urban parks and the discovery of cultural resources is possible through cultural planning. Cultural planning has become one of the key approaches in urban planning. Cultural planning is a new place-based approach within which urban parks designers, planners and managers view culture. Cultural planning uses cultural resources in urban planning and urban parks include many types of cultural resources; therefore, it seems urban parks are one of the best places to be selected for cultural planning. Cultural planning uses cultural resources to enhance urban and community development. Cultural resources as the core part of cultural planning play a key role to form the pattern of events in urban parks. Cultural resources in urban parks can be categorized as urban parks, visible elements, and events (tangible resources); and meanings and associations (intangible resources). Elements and events present in urban parks are capable of evoking meanings and associations for them and lead them to form activities and events. These elements consist of man-made elements, natural elements, sensory elements, humans, animals and plants. Urban parks designers, planners and managers need to consider these elements and related events as tangible cultural resources that can be altered, replaced or reinforced. The tangible cultural resources in urban parks can lead to evoke meanings and associations for users as intangible cultural resources. The present study sought to find a model of cultural planning of urban parks. Interpretive methods have been used to study the theoretical foundations and the empirical background and to examine the phenomenon of urban park, cultural resources and the pattern of its events. Finally, the proposed model is presented. The findings show that the cultural planning of urban parks includes various stages that need to be done in order to achieve the desired result. The first step is to choose the field of study. It is necessary to choose an urban park that has enough variety of elements and events, as well as meanings and associations for users. In the second step, cultural mapping, the cultural resources in the studied urban park are identified, including tangible cultural resources (elements and events) and intangible cultural resources (meanings and associations). In the third step, cultural assessment, the approach of urban park managers and policy makers towards cultural resources is analyzed and in the final step, creative methods are used to make optimal use of cultural resources to improve the urban park. First, the hierarchical method of urban park facilities is used to ensure that the facilities of the parks are adequate and appropriate to the needs of the community. Later on, the range of recreational opportunities appropriate to cultural resources and the diversity of users in terms of age, gender, ethnicity, language and diversity of cultural resources are presented. Conflicts, issues and problems will then be identified. For conflicts, major issues and problems that require immediate action, the approach of issues (categories) is used, and for conflicts, minor issues and problems, the organic or gradual approach is used. To promote the health, welfare and well-being of users, a community development approach is used that can make optimal use of cultural resources to empower the community, increase the sense of identity and sense of belonging to the parks' users.

Keywords: Cultural planning, cultural resources, urban parks.

* Corresponding author. E-mail: medghalchi@tabriziau.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91

سال پنجم، شماره دوم- پاییز و زمستان ۹۹

تبیین الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری*

لیلا مدقالچی[1]، مرتضی میرغلامی،[2] مهدی نیلی پور[3]**

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۴)

چکیده

بوستان‌های شهری یکی از مهمترین فضاهای شهری هستند. برای برنامه‌ریزی بوستان‌های شهری جهت استفاده انواع گروه‌های سنی و جنسی، نیاز است تا منابع فرهنگی بوستان‌های شهری کشف شوند و کشف منابع فرهنگی، با استفاده از برنامه‌ریزی فرهنگی امکان‌پذیر است. برنامه‌ریزی فرهنگی یک رویکرد مکان‌محور برای استفاده از منابع فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری است. مطالعهٔ حاضر در پی یافتن الگویی برای برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری بوده است. این مقاله، با روش تفسیری به مطالعهٔ مبانی نظری و سوابق تجربی و پیشینهٔ علمی پرداخته و سپس پدیدهٔ بوستان شهری، منابع فرهنگی و الگوی رویدادهای آن را مورد بررسی قرار داده و در نهایت با توجه به رویکرد پژوهش و با استفاده از استدلال منطقی، مدل نهایی را برای آن ارائه شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری شامل مراحل مختلفی است که لازم است به ترتیب انجام شوند تا نتیجهٔ مطلوب حاصل شود. گام اول انتخاب میدان مطالعه است. لازم است بوستانی انتخاب شود که دارای تعدد و تنوع کافی در زمینهٔ عناصر، رویدادها و همچنین معانی و تداعی‌ها برای استفاده‌کنندگان باشد. در گام دوم، یعنی نگاشت فرهنگی، شناسایی منابع فرهنگی موجود در بوستان شهری مورد مطالعه شامل منابع فرهنگی ملموس (عناصر و رویدادها) و منابع فرهنگی ناملموس (معانی و تداعی‌ها) انجام می‌شود. در گام سوم، یعنی ارزیابی فرهنگی، تجزیه و تحلیل رویکرد مدیران و سیاست‌گذاران بوستان شهری نسبت به منابع فرهنگی صورت می‌گیرد و در گام پایانی، روش خلاقانه برای استفادهٔ بهینه از منابع فرهنگی در جهت بهبود بوستان شهری انتخاب می‌شود.

واژگان کلیدی

برنامه‌ریزی فرهنگی، منابع فرهنگی، بوستان شهری.

* این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری مهدی نیلی‌پور با عنوان «تبیین الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری» با راهنمایی دکتر لیلا مدقالچی و دکتر مرتضی میرغلامی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

** نویسندهٔ مسئول مکاتبات: l.medghalchi@tabriziau.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

مقدمه

بوستان‌ها به عنوان عمده‌ترین فضای سبز شهری نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی و مراودات فرهنگی شهرنشینان دارند. آن‌ها منعکس‌کنندهٔ تاریخ و تنوع فرهنگی جوامع شهری هستند. بوستان‌ها تنها محلی که چندین درخت و نیمکت دارد، نیستند؛ بلکه نمادی از تفکرات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، افزایش شتاب زندگی مدرن شهری منجر به کاهش تعامل اجتماعی شهروندان با یکدیگر و غفلت از اهمیت فضاهای عمومی از جمله بوستان‌ها به عنوان بستری برای این تعاملات اجتماعی شده است. در ایران، بوستان‌های شهری یکی از مهمترین فضاهای شهری هستند. در یکی دو دههٔ اخیر و با تغییراتی که در سبک زندگی ایرانیان ایجاد شده است، تعاملات اجتماعی و نوع فعالیت گروه‌های مختلف سنی و جنسی در بوستان‌های شهری دچار تحول شده‌اند. به عنوان مثال، در گذشته به دلیل درون‌گرا بودن فرهنگ سنتی خانواده‌های ایرانی از سویی و احساس ناامنی در بعضی از فضاهای عمومی برای خانواده‌ها از سوی دیگر، حضور بانوان در فضاهای عمومی مانند بوستان‌های شهری کمرنگ‌تر بود؛ اما در یکی دو دههٔ اخیر، حضور بانوان در فضاهای عمومی پررنگ‌تر شده است و آنان نیز در کنار مردان، از بوستان‌های شهری استفاده می‌کنند. علاوه بر حضور بانوان همراه با خانواده در بوستان‌ها، آنان به تنهایی یا همراه با دوستان خود نیز به فعالیت در این بوستان‌ها می‌پردازند.

آنچه باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد، چگونگی برنامه‌ریزی برای بوستان‌های شهری جهت استفاده انواع گروه‌های سنی و جنسی است و برای این کار، نیاز است تا نسبت به علایق و منافع فرهنگی افرادی که از این بوستان‌ها استفاده می‌کنند، اطلاعاتی را به دست آورد. برای درک علایق و منافع فرهنگی مردم، نیاز است تا منابع فرهنگی کشف شوند و کشف منابع فرهنگی، با استفاده از برنامه‌ریزی فرهنگی امکان‌پذیر است. برنامه‌ریزی فرهنگی یک رویکرد مکان‌محور برای استفاده از منابع فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری است. مطالعهٔ حاضر، در پی آن است تا با تبیین الگوی برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری، با حفظ یا تغییر منابع فرهنگی، الگوی رویدادهای موجود در بوستان‌های شهری را برنامه‌ریزی کند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای است که کاربردهای زیادی دارد و برای توصیف مفاهیم بسیار متفاوتی به کار می‌رود. رابرت بارفسکی معتقد است که تلاش‌های معطوف به تعریف فرهنگ، شبیه تلاش برای به چنگ آوردن باد است (Salehi Amiri 2017). بنابراین لازم است زمانی که دربارهٔ «فرهنگ» صحبت می‌شود، به طور دقیق روشن شود منظور از فرهنگ چیست. به نظر می‌رسد در ایران تا زمان تجدد، بحث فرهنگ به عنوان موضوع جدی مورد بحث قرار نگرفته است. در این زمینه جلال ستاری معتقد است: «تا پیش از دوران تجدد، ما مقوله‌ای به نام فرهنگ، جدا از مقولات دیگر برای خودمان نداشتیم و فرهنگ زیسته می‌شد. بنابراین چیزی نبود که خارج از چارچوب زندگی اجتماعی وجود داشته باشد و ما دربارهٔ آن بیندیشیم، برنامه‌ریزی کنیم و گسترش بدهیم» (Sattari 2001). داوری اردکانی نیز معتقد است «چیزی را که ما اکنون فرهنگ می‌نامیم، متقدّمان، ادب می‌خواندند و آن را به «ادب درس» و «ادب نفس» تقسیم می‌کردند. اخلاق هم جزئی از ادب نفس بود و فرهنگ نه فقط در مقابل اخلاق قرار داشت، بلکه شامل آن بود» (Davari Ardakani 2008).

زرلانگ (Zerlang 2005) اشاره می‌کند که مفهوم فرهنگ در قرن نوزدهم شکل گرفته است. در این قرن، دو نویسندهٔ بزرگ، دو گونه مفهوم فرهنگ را مطرح کردند. در سال ۱۸۶۹ میلادی متیو آرنولد، مفهوم فرهنگ را به مثابه فرهنگ والا (High Culture) و در سال ۱۸۷۱م. تیلور مفهوم فرهنگ را به مثابه فرهنگ عامه (Popular Culture) مطرح کردند. بنابراین

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

بحث پیرامون چگونگی تلقی از فرهنگ از همان زمان آغاز شد. از نظر موافقان فرهنگ والا، بین این فرهنگ و فرهنگ عامه، فاصله‌ای عمیق وجود دارد. زرلانگ (Zerlang 2005) نیز به این دوگانه فرهنگ والا و فرهنگ عامه اشاره می‌کند. از دیدگاه او، مفهوم فرهنگ از دو جهت توسعه یافته است: الف) فرهنگ والا مانند هنر، ایده‌ها، ادبیات و موسیقی. وی در این زمینه به جمله آرنولد اشاره می‌کند: «بهترین چیزی که اندیشیده و گفته می‌شود». ب) فرهنگ عامه مانند آداب و رسوم، اعتقادات و اعمال مردم. وی در این زمینه به جمله تیلور اشاره می‌کند: «شیوه کلی زندگی».

بنابراین دو گونه طرز فکر مسلط به فرهنگ از قرن نوزدهم تاکنون وجود داشته است. مفاهیمی مانند فرهنگ نخبه، فرهنگ مسلط و فرهنگ والا از یک سو و فرهنگ عامه، فرهنگ توده و فرهنگ مردمی از سوی دیگر. اما همانطور که استیونسن (Stevenson 2005) – یکی از صاحب‌نظران حوزهٔ برنامه‌ریزی فرهنگی – توضیح داده است، می‌توان فرهنگ را به گونه‌ای تعریف کرد که امکان پرداختن هم‌زمان به فرهنگ عامه و همچنین فرهنگ والا میسر شود. این تعریف که در بسیاری از مطالعات شهری از جمله برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک عمل قرار گرفته است (نک Bianchini 2004)، شامل شیوهٔ زندگی مبتنی بر نظام معنایی است. بنابراین می‌توان به سه نوع طرز فکر مسلط به فرهنگ اشاره کرد: فرهنگ والا، فرهنگ عامه و فرهنگ به مثابه شیوهٔ زندگی مبتنی بر نظام معنایی.

از آنجا که این تحقیق، فرهنگ را به مثابه «شیوهٔ زندگی مبتنی بر نظام معنایی» در نظر می‌گیرد، لازم است توضیح بیشتری در این خصوص ارائه شود. از دیدگاه ویلیامز (Williams 1961)، فرهنگ به مثابه شیوهٔ زندگی است. از دیدگاه او، فرهنگ را می‌توان «یک شیوهٔ خاص زندگی دانست که معانی و ارزش‌های خاصی را نه تنها در هنر و آموزش، بلکه در نهادها و رفتارهای عادی بیان می‌کند». مانک، وینسلید و سینکلر (Monk, Winslade, Sinclair 2008) نیز به روشنی بیان کرده‌اند که فرهنگ هم شیوهٔ زندگی و هم شیوهٔ تفسیر زندگی است. افراد با توجه به نظام معنایی و تفسیری که از دنیای خارجی دارند، شیوه زندگی خود را انتخاب می‌کنند.

مفهوم کلیدی برای کشف علت کنش‌ها و واکنش‌های افراد، معناهایی است که شیوهٔ زندگی آنان را شکل می‌دهد. اعضای هر گروه یا جامعهٔ معین، معناها و تفسیرهای مشترکی دارند و این معناها و تفسیرهای مشترک را از طریق تعامل‌های مداوم با یکدیگر حفظ می‌کنند. آنچه در علوم اجتماعی و انسانی، به ویژه در مطالعات فرهنگی و جامعه شناسی فرهنگ، «چرخش فرهنگی» نامیده شده است، بر اهمیت معنا در تعریف فرهنگ تأکید می‌کند. از این منظر، استدلال می‌شود که فرهنگ مجموعه‌ای از چیزها – رمان‌ها و نقاشی‌ها یا برنامه‌ها و طنزهای تلوزیونی – نیست، بلکه یک فرایند یا مجموعه‌ای از اعمال است. این ادعا که دو انسان به فرهنگ واحدی تعلق دارند، بدان معنا است که آن‌ها جهان را به صورت نسبتاً همسانی تفسیر می‌کنند و می‌توانند افکار و احساسات خودشان دربارهٔ جهان را به گونه‌ای بیان کنند که برای یکدیگر معنادار باشد. پس فرهنگ در صورتی وجود دارد که اعضای آن فرهنگ رویدادهای پیرامون خود و جهان را به صورت‌های همسانی درک و فهم کنند (Hall 2017).

۱-۲. برنامه‌ریزی فرهنگی

از دیدگاه مرسر (Mercer 2010) به عنوان یکی از پیشگامان مطالعات برنامه‌ریزی فرهنگی، این نوع برنامه‌ریزی را «استفاده راهبردی و یکپارچه از منابع فرهنگی در توسعهٔ شهری» تعریف می‌کند. این تعریف، اغلب توسط دیگر فعالان حوزهٔ برنامه‌ریزی فرهنگی مانند بیانکینی (Bianchini 2004) و گیلاردی (Ghilardi 2001) مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، برنامه‌ریزی فرهنگی یک برنامه‌ریزی راهبردی و یکپارچه در مقیاس شهر یا بخشی از یک شهر است که معمولاً با مشارکت ساکنان، شهرداری، نهادهای عمومی و دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد انجام می‌شود. مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی برای اولین بار در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی توسط هاروی پرلوف (Perloff) مطرح شد (Zhou et al. 2018) و به نظر می‌رسد این مفهوم از استرالیا ریشه گرفته

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

است (Fitzpatrick 2009). برنامه‌ریزی فرهنگی متفاوت از سیاست‌گذاری فرهنگی است. آنچه تاکنون در ایران ملاک عمل بوده، برنامه‌ریزی فرهنگ یا سیاست‌گذاری فرهنگی یا نگرش برنامه‌ای و مدیریتی به فرهنگ است که یک نگرش بخشی بوده است و با برنامه‌ریزی فرهنگی به عنوان یک رویکرد فرهنگی به برنامه‌ریزی که بر یک مکان خاص تمرکز دارد، کاملاً متفاوت است.

مرسر (Mercer 2010) به عنوان یکی از پیشگامان در این حوزه، در تعریف خود از برنامه‌ریزی فرهنگی بر «منابع فرهنگی» تأکید دارد. این مفهوم، کلیدواژهٔ اصلی و ابزار اصلی برنامه‌ریزی فرهنگی به حساب می‌آید. بنابراین لازم است مشخص شود، منابع فرهنگی چیست و چگونه برنامه‌ریزی فرهنگی از آن بهره می‌گیرد.

۱-۳. منابع فرهنگی

به گفتهٔ کینگ (King 2011)، «منابع فرهنگی همهٔ جنبه‌های کالبدی و فراکالبدی محیط محسوب می‌شوند که انسان‌ها و جوامع برای آن‌ها به دلایلی که با فرهنگ ارتباط دارد، ارزش قائل هستند». همانطور که توسط پرلی (Perley 2011) بیان شده، هریسون (Harrison 2007) منابع فرهنگی را به دو دسته تقسیم می‌کند: ملموس (مصنوع، مادی) و ناملموس (مفاهیم، اندیشه‌ای). منابع فرهنگی ملموس نه تنها محیط‌ها و اشیاء ساخته شده توسط انسان (ساختمان‌ها، مکان‌ها، محلات، اشیاء متحرک بزرگ مانند قطار، کشتی، هواپیما یا مصنوعات کوچکتر مانند ابزار، اسلحه و یادگاری‌ها را شامل می‌شود) (Morse-Kahn 2011)، بلکه محیط‌های طبیعی زنده و بی‌جان مانند سنگ، خاک، آب و به ویژه گیاهان و حیوانات را نیز در برمی‌گیرند (Willow 2011). منابع فرهنگی ناملموس در مقایسه با مکان‌های فیزیکی، انتزاعی محسوب می‌شوند و شامل چیزهایی هستند که بار معنایی و ارزشی دارند (Ellis 2011). همانطور که الیس اظهار می‌کند، «منابع فرهنگی ناملموس غالباً با منابع فرهنگی ملموس مرتبط هستند، اما آنچه ما به آن‌ها علاقه‌مند هستیم معانی و ارزش‌های موجود در آن منابع ملموس است و نه خود منابع ملموس».

از آنجا که مطالعهٔ حاضر، فرهنگ را شیوهٔ زندگی مبتنی بر یک نظام معنایی می‌داند، می‌توان منابع فرهنگی ملموس یک مکان را شامل عناصر و رویدادهای قابل مشاهده دانست که می‌توانند معانی و تداعی‌ها (منابع ناملموس) را برای کاربران آن مکان برانگیزند.

۱-۳-۱. منابع فرهنگی ملموس

به نظر می‌رسد که منابع فرهنگی ملموس در یک مکان که موجب درک و تداعی معنا به عنوان منابع فرهنگی ناملموس می‌شوند شامل عناصر و رویدادهایی هستند که در آن‌ها مکان وجود دارد. عناصر شامل عناصر انسان ساخت، عناصر حسی، عناصر طبیعی، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها است. این عناصر از طریق ترکیب کیفیت‌های ادراکی، موجب می‌شوند تداعی معنا صورت گیرد. تداعی معنا از طریق این عناصر، می‌تواند منجر به رویداد انسانی در آن مکان شود. همچنین در هر مکان، ممکن است رویدادهای غیرانسانی نیز وجود داشته باشند. ترکیب رویدادهای انسانی و رویدادهای غیرانسانی، الگوی رویدادی هر مکان را تشکیل می‌دهند. به اعتقاد الکساندر، همهٔ زندگی و روح هر فضا و همهٔ ادراک ما در یک مکان نه تنها به محیط کالبدی آن، بلکه به الگوی رویدادهایی بستگی دارد که در آن جا رخ می‌دهد. او تأکید می‌کند که این الگوی رویدادها که هویت فضاها را پدید می‌آورد، لزوماً رویدادهایی انسانی نیستند، هر آمیزه‌ای از رویدادها که پیوندی با زندگی ما داشته باشد - یعنی اثری واقعی و فیزیکی بر ما داشته باشد - بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد (Alexander 2017). بنابراین از دیدگاه او، علاوه بر عناصر موجود در یک مکان، رویدادهای انسانی و غیرانسانی نیز موجب درک و تداعی معنا می‌شوند و به عنوان منابع فرهنگی ملموس عمل می‌کنند. جدول ۱ منابع فرهنگی ملموس در مکان را نشان می‌دهد.

۱-۳-۲. منابع فرهنگی ناملموس

منابع فرهنگی ناملموس، همانطور که پیش از این گفته شد،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

جدول ۱: منابع فرهنگی ملموس در مکان
Table 1: Tangible cultural resources in the place

منابع فرهنگی	موارد
عناصر	عناصر طبیعی، عناصر حسی، عناصر انسان ساخت، گیاهان و درختان، حیوانات، انسان‌ها
رویدادها	انسانی، غیرانسانی

شامل معانی و تداعی‌ها است. بنابراین لازم است در مورد «معانی»، چگونگی «درک معانی» و «تداعی» توضیح داده شود. تعاریف متعددی از معنا وجود دارد. از دیدگاه هوسرل، معنا به مثابه «یک نوع باشندهٔ نیت‌مند انتزاعی» « A certain sort of abstract, intensional entity» تعریف شده است (Smith and McIntyre 1982). بنابراین لازم است مفاهیم «نیت‌مندی» و «انتزاع» شرح داده شوند. انتزاع عبارت است از ساختن یک سری مفاهیم کلی ذهنی که این مفاهیم عیناً مابه ازای خارجی ندارد ولی به نحوی از واقعیت منتج شده است و از آن حکایت می‌کند (Rahbarnia and Mehrizi Thani 2008). در ارتباط با مفهوم «نیت‌مندی» رلف معتقد است که ذهن انسان ماهیتاً همواره به سوی چیزی تمایل دارد. نیت‌مندی انسان نه به معنای گزینش عمدی چیزها برای شناخت، بلکه به معنای حضور یا بودن در میان دیگر انسان‌ها و دنیای معناها است. از این رو عناصر دنیا نیز در پیوند با «معناهایشان» تجربه می‌شوند و نمی‌توان آن‌ها را از معناهایشان جدا کرد. او همچنین به نقش مکان در «نیت‌مندی» اشاره می‌کند. از دیدگاه او، مکان‌ها، زمینه‌ها (Context) یا پس‌زمینه‌هایی (Background) برای چیزها یا رویدادهایی هستند که نیت‌مندانه توسط افراد تعریف و شناسایی می‌شوند. بدین ترتیب رلف این گونه نتیجه می‌گیرد که هرگونه آگاهی، آگاهی از چیزی است، اما به طور هم‌زمان، آگاهی از آن چیز در پیوند با مکان آن است و آن مکان‌ها نیز به نوبهٔ خود در پیوند با چیزها و معناهایشان تعریف شده‌اند. به باور رلف مکان‌ها ذاتا گردآورندهٔ نیت‌ها (Intentions) هستند. به باور رلف جوهر مکان در نیت‌مندی ناخودآگاهانه‌ای است که مکان‌ها را به عنوان مرکز وجود انسان تعریف می‌کند؛ یعنی انسان (ذهن) همواره به طور ناخودآگاه به سوی شناخت و تجربه دیگر چیزها، در پیوند با مکان آن‌ها تمایل دارد (Relph 1976).

دویتو (DeVito 2012) معانی را به دو دستهٔ معانی صریح (Denotative) و معانی ضمنی (Connotative) تقسیم می‌کند. به گفتهٔ وی، معانی صریح، جهانی و عینی است، در حالی که معانی ضمنی، احساسی، ذهنی و بسیار شخصی هستند که احساسات را بیان می‌کنند نه اطلاعات علمی. رضازاده نیز به این دو سطح معنا اشاره کرده است. معانی ضمنی، معانی هستند که با واسطهٔ یک معنای صریح، در ذهن تداعی می‌شوند (Rezazadeh 2004).

اکنون سئوال این است که چگونه معانی ادراک می‌شوند. دویتو معتقد است که ادراک یک فرایند فعال است که در حین آن، انسان از طریق حواس پنجگانهٔ خود به اشیاء، رویدادها و افراد آگاهی می‌یابد. به گفتهٔ وی، ادراک از یک سو، از آنچه در جهان خارج وجود دارد و از سوی دیگر، از تجربیات، خواسته‌ها، نیازها و تمایلات، عشق و نفرت سرچشمه می‌گیرد. او ادعا می‌کند که ادراک در پنج مرحله انجام می‌شود: تحریک (حس کردن و توجه به یک محرک)، سازماندهی، تفسیر – ارزیابی، حافظه (ذخیره کردن آنچه درک می‌شود) و به یاد آوردن (دسترسی به اطلاعات ذخیره شده در حافظه). در واقع در مرحلهٔ آخر، تداعی معانی و چیزها اتفاق می‌افتد (DeVito 2012).

۲. فرایند ادراک و تداعی معنا در بوستان های شهری

همانطور که قبلاً گفته شد، عناصر بوستان‌های شهری معانی و تداعی‌هایی را برای افراد ایجاد می‌کنند. این معانی و تداعی‌ها سبب می‌شوند تا افراد رویدادهای انسانی را شکل دهند. به عنوان مثال، ممکن است یک کارگر خسته، در یک روز آفتابی یک درخت سایه‌دار را در یک بوستان شهری ببیند و

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

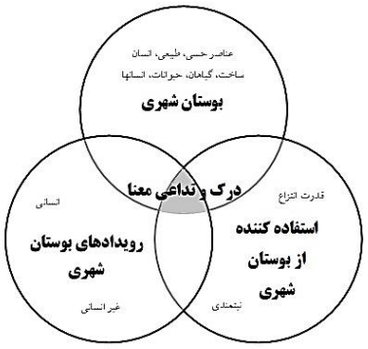

تصویر ۱: ارتباط درک و تداعی معنا و رویدادها در بوستان شهری
Fig. 1: Events pattern in urban parks

آن را مکانی راحت (به جهت سایه‌اندازی) برای خوابیدن بداند. نمونهٔ دیگر می‌تواند کسی باشد که یک سبد گل زیبا را در یک بوستان مشاهده می‌کند. او ممکن است به دلیل درک زیبایی، تصمیم بگیرد از آن، عکس بگیرد. علاوه بر این، رویدادهای غیرانسانی نیز می‌تواند برخی از معانی و تداعی‌ها را برای افراد برانگیزانند و آن‌ها را به فعالیت و شکل‌گیری رویداد انسانی وادار و یا تشویق کنند. به عنوان مثال، یک زن و شوهر ممکن است در یک روز بارانی در یک بوستان شهری به پیاده‌روی بروند. باران ممکن است لحظات عاشقانه‌ای را برای آن‌ها تداعی و آن‌ها را به قدم زدن در بوستان ترغیب کند. شکل ۱، ارتباط درک و تداعی معنا و رویدادها را در بوستان شهری نشان می‌دهد.

طبق گفته‌های گی و برخارد (Gee and Burkhard 2010) معانی، ناشی از روابط خاص بین ناظر و محیط است. بوستان‌های شهری طیف وسیعی از معانی را برای کاربران بوستان دارند. معنای بوستان شهری را می‌توان از طریق معنایی که توسط کاربران تفسیر می‌شود درک کرد. همانطور که استوارت (Stewart 2008) اظهار می‌کند، «معانی مکان‌ها را می‌توان در توصیف افراد از مکان‌ها و تجربیات زیستهٔ آن‌ها در آن مکان‌ها یافت». بنابراین برای کشف معانی، لازم است فرایند درک و تداعی معانی شناسایی شود. همانطور که در مطالب پیشین نیز بیان شد، ادراک در پنج مرحله انجام می‌شود: تحریک، سازماندهی، تفسیر – ارزیابی، حافظه و تداعی. شکل ۲ فرایند ادراک در بوستان‌های شهری را نشان می‌دهد. در ابتدا، عناصر و رویدادهای بوستان‌های شهری می‌توانند به عنوان محرک کاربران باشند. سپس، کاربران بوستان‌های شهری اطلاعاتی را که حواسشان جمع‌آوری می‌کند، سازماندهی می‌کنند و معانی صریح را تشخیص می‌دهند. در مرحلهٔ بعد، کاربران سعی در تفسیر و ارزیابی این معانی صریح دارند و معانی ضمنی را می‌سازند. سپس این معانی ضمنی در حافظه قرار می‌گیرند و افراد اطلاعات

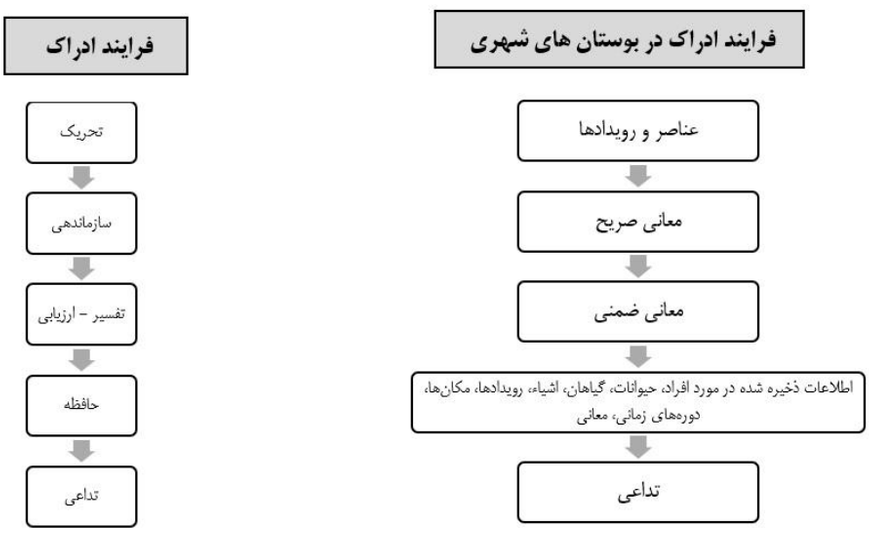

تصویر ۲: فرایند ادراک در بوستان های شهری
Fig. 2: The Process of Perception in Urban Parks
تنظیم از نگارندگان بر اساس: DeVito 2012

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

جدول ۲: مثال‌هایی از عناصر و رویدادها (منابع فرهنگی ملموس) و معانی ادراکی (منابع فرهنگی ناملموس) در بوستان‌های شهری
Table 2: Some examples of elements and events (tangible cultural resources) and meanings and associations (intangible cultural resources) in urban parks

پژوهشگر	عنصر یا رویداد (منبع فرهنگی ملموس)	معنای ادراکی (منبع فرهنگی ناملموس)
Burgess et al 1988	نشستن روی نیمکت بالای یک تپه و نگاه کردن به افق	خوشحالی
	پیاده‌روی به سمت پایین بوته‌ها و تماشای سنجاب‌ها	آرامش
	نشستن در سکوت روی نیمکت و مراقبه	آرامش
	بازی کودکان و تخلیه انرژی در کنار مادرانشان در بوستان	امنیت و آرامش
	یافتن دوستان جدید برای کودکان و بازی با آن‌ها	دوستی و معاشرت‌پذیری
Manzo 2005	نیمکت	احساس آرامش، راحتی و آسایش
Krenichyn 2006	درختان، گیاهان، افراد، راه، منظره طبیعی	زیبایی، سبزی، رنگارنگی (در پاییز)، گذار (تغییر فصول)، آزادی، ایمنی، راحتی، آسودگی، فعالیت، صمیمیت، چالش، آرامش خاطر، دسترسی، تماشایی بودن، شگفتی، لذت، رضایت، مراقبه، رهایی از استرس، استقلال، قدرت، ایستادگی، توانمندی
Wynveen et al 2010	کل بوستان	غوطه‌وری، به‌هم پیوستگی، آزادی، انزوا، آرامش
	رنگ و شفافیت آب	شگفت‌انگیز، افسانه‌ای و چشمگیر
	آب	آرامش و راحتی
	محدوده جزیره‌ای نخل خرما	منحصر به فرد بودن، انزوا، تنهایی
	صخره	زیبایی، ایمنی و دسترسی
	مرجان و حیوانات وحشی	فراوانی و تنوع
	قایق‌رانی و غواصی	کنجکاوی و اکتشاف
	منظره دریا و مناظر باز	زیبایی
Peters 2010	بوستان	ایمنی، آسودگی و باهم بودن
	خیره نگاه کردن نوجوانان مراکشی و متلک گفتن به زنان	ناراحتی و نبود آرامش
	توهین بچه ها به مهاجران	بی حرمتی
Main 2013	بوستان	پاکیزگی در مقابل کثیفی، تداوم در مقابل عدم تداوم یا تغییر، آشنایی در مقابل ناآشنایی، اجتماع در برابر انزوا، ایمنی در مقابل ناامنی، آزادی در مقابل محدودیت، وحدت در مقابل درگیری، خوشایند در مقابل ناخواسته
Campbell et al 2016	بوستان	انزوا، آرامش، سکوت، ملایمت، آسایش، ایمنی، صفا، تسکین، آسودگی، زیبایی، جذابیت، لذت، دلپذیری، دلبستگی، جامعه‌پذیری و راحتی
Loukil et al 2010	بوستان	فراغت، پاکی، طبیعی بودن، آزادی، آرامش، راحتی، سکوت، آسودگی و زیبایی
Chiesura 2004	بوستان	آزادی، شانس، ماجراجویی، خوشبختی، یگانگی با خود و یگانگی با طبیعت
Rennit, Maikov 2015	بوستان	جذابیت، دور بودن، وسعت و سازگاری

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

ذخیره شده در مورد افراد، حیوانات، گیاهان، اشیاء، رویدادها، مکان‌ها، دوره‌های زمانی، معانی و غیره را بازیابی می‌کنند. سرانجام، کاربران کسی یا چیزی را به یاد می‌آورند و تداعی صورت می‌گیرد.

تعدادی از پژوهشگران به درک معانی توسط کاربران در بوستان های شهری پرداخته‌اند. جدول ۲ تعدادی از عناصر و رویدادهای موجود در بوستان‌های شهری (منابع فرهنگی ملموس) و تأثیری را که در ایجاد معانی ادراکی (منابع فرهنگی ناملموس) دارند از دیدگاه تعدادی از پژوهشگران نشان می‌دهد.

۳. روش پژوهش

همانطور که گیلاردی (Ghilardi 2001) یکی از فعالان حرفهٔ برنامه‌ریزی فرهنگی و تعداد دیگری از نویسندگان به آن اشاره کرده‌اند، برنامه‌ریزی فرهنگی یک رویکرد مکان محور است. گیلاردی (Ghilardi 2005) همچنین معتقد است که فعالیت‌های فرهنگی- چه سنتی و چه جدید – معانی را ایجاد می‌کنند که تجسم هویت و ارزش‌های یک مکان محسوب می‌شوند. برای شناخت معانی و تداعی‌های مکانی به عنوان منابع فرهنگی ناملموس، لازم است به مکان مراجعه و آن‌ها را کشف کرد. افراد در تعاملاتشان با یکدیگر معانی را به وجود می‌آورند و توسعه می‌دهند و نیز از ایده‌هایی که معنادار کردن این فعالیت‌ها بدان نیاز دارد، برخوردار هستند. همانطور که بلیکی می‌نویسد: جهان اجتماعی پیش از آغاز کار پژوهشگر علوم اجتماعی، همواره مورد تفسیر (سازندگان آن) قرارگرفته است (Blaikie 2017)، برای درک و تفسیر معانی، لازم است از پارادایم تفسیرگرایی استفاده کرد. در این نوع نگاه، واقعیت اجتماعی محصول فرایندهایی است که در طی آن کنشگران اجتماعی به اتفاق هم، معانی کنش‌ها و موقعیت‌ها را ایجاد می‌کنند؛ ترکیبی از معانی است که برساختهٔ اجتماع هستند. در این رهیافت به جای درک حسی و مادی جهان خارجی بیرونی، تجربهٔ انسانی به عنوان یک فرایند تفسیری در نظر گرفته می‌شود و رفتار انسانی بستگی به این دارد که چگونه افراد موقعیت‌هایی را که در آن قرار گرفته‌اند، تفسیر می‌کنند. بنابراین، واقعیت اجتماعی چیزی نیست که بتوان آن را به شیوه‌های گوناگون تفسیر کرد؛ بلکه واقعیت اجتماعی، همان تفسیرهای افراد است (Ibid).

رلف در تعریف مکان تأکید می‌کند که مکان‌ها برخلاف فضا انتزاعی نیستند، بلکه پدیده‌هایی هستند که به طور مستقیم از جهان تجربه می‌شوند؛ بنابراین سرشار از معانی، چیزهای واقعی و فعالیت‌های جاری در آن هستند. مکان‌ها منابع مهم شناسایی اشخاص و اجتماع‌ها محسوب می‌شوند و اغلب کانون اصلی شکل‌گیری روابط عمیق احساسی و فیزیکی میان انسان‌ها را شکل می‌دهند (Pakzad 2018). بنابراین تعریف این پژوهش از مکان عبارت است از: «مکان، فضایی فیزیکی است که دربرگیرندهٔ معانی، تداعی‌ها، عناصر و رویدادها است». این تعریف، منابع فرهنگی ملموس (عناصر و رویدادها) و منابع فرهنگی ناملموس (معانی و تداعی‌ها) را شامل می‌شود.

مکانی که در این پژوهش مورد نظر بوده، بوستان شهری است. کلمه «بوستان» مرکب از «بو» (رایحه) و «ستان» (ادات مکان) به معنای جایی است که گل‌های خوشبو در آن، بسیار باشد (Dehkhoda 2011)؛ اما در بعضی مطالعات شهری و از سوی نهادهای عمومی و دولتی، واژهٔ «بوستان» به جای واژهٔ «پارک» به کار می‌رود. در این پژوهش نیز به جای واژهٔ «پارک»، از واژهٔ «بوستان» استفاده شده است. با توجه به تعریف این پژوهش از مکان به مثابه یک فضای فیزیکی دربرگیرندهٔ معانی، تداعی‌ها، عناصر و رویدادها، تعریف بوستان شهری در این پژوهش عبارت است از: «فضای سبز عمومی شهری که دربرگیرندهٔ معانی، تداعی‌ها، عناصر و رویدادها است».

٤. یافته‌ها و بحث

بوستان‌های شهری می‌توانند برای گروه‌های مختلف از مردم، معنای متفاوتی داشته باشند. فرهنگ‌های مختلف بسته به معانی و تداعی‌هایی که بوستان‌های شهری برای استفاده‌کنندگانش دارند، این مکان‌ها را به طرق مختلف معنادار می‌کنند. عناصر انسان‌ساخت، عناصر طبیعی، گیاهان،

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

جدول ۳ : عناصر بوستان‌های شهری
Table 3: Urban parks elements

عناصر	تعدادی از مثال‌ها
انسان ساخت	سرویس‌های بهداشتی عمومی، ساختمان‌ها (به عنوان مثال، کتابخانه، سینما، مسجد، فروشگاه‌ها، گالری)، مسیرهای پیاده‌روی، حوض‌ها، استخرها، زمین‌های بازی کودکان، وسایل بدن‌سازی و ورزشی ثابت، تپه‌ها، باغ وحش، نمازخانه، دروازه‌ها، دیوارها، پله‌ها، زمین‌های ورزشی، تجهیزات ورزشی / بازی، نقاشی‌های دیواری، آثار هنری، مجسمه‌ها، پارچه‌نوشته‌ها و تبلیغات محیطی، نمادهای ملی و مذهبی، ظرف آب و غذا برای حیوانات، گودال‌های آتش، پرچم ملی، آبسردکن و شیر آب، چراغ‌ها، سطل‌های زباله، غرفه‌های فروش فصلی، آلاچیق‌ها، میزها، نیمکت‌ها، صندلی‌ها
طبیعی	خاک، آب
حسی	رنگ، بو، صدا، مزه، جنس
گیاهان و درختان	بوته‌ها، چمنزار، درختان سایه‌دار، درختان میوه، گیاهان خوراکی
حیوانات	گربه‌ها، سگ‌ها، پرندگان، جوندگان، خزندگان، حشرات
انسان‌ها	خانواده‌ها، زوج‌های جوان، گروه‌های دوستانه، دانشجویان و دانش‌آموزان، ورزشکاران، کودکان، میان‌سالان، کهن‌سالان، شاغلان، بیکاران، زنان خانه‌دار، افراد بی‌خانمان، مصرف‌کنندگان و فروشندگان مواد مخدر، کارمندان بوستان

حیوانات و انسان‌ها نقش اصلی و تعیین‌کننده در بوستان‌های شهری برای درک و تداعی معانی برعهده دارند. بنابراین، این عناصر به همراه رویدادهای انسانی و غیرانسانی می‌توانند به عنوان عناصر ملموس در منابع فرهنگی بوستان‌های شهری درنظر گرفته شوند. در جدول ۳ نمونه‌هایی از عناصر بوستان‌های شهری قید شده است.

به گفتهٔ الکساندر (Alexander 2017)، فهرست عناصر موجود در یک بوستان شهری، نحوهٔ زندگی افراد را در آنجا تعیین می‌کند و هر یک از این عناصر الگوی خاصی از وقایع مرتبط با آن را دارند. به گفتهٔ وی، هر الگویی را می‌توان با ویژگی فضایی آن بوستان شهری تعریف کرد و الگوی کل وقایع انسانی در یک بوستان شهری، توسط فرهنگ کاربران بوستان آن ایجاد می‌شود. در بوستان‌های شهری دو نوع رویداد وجود دارد: انسانی و غیرانسانی. رویدادهای انسانی مربوط به فعالیت‌ها و کارهایی هستند که افراد در بوستان‌ها انجام می‌دهند و رویدادهای غیرانسانی مربوط به شرایط آب‌وهوایی، فعالیت‌های حیوانات و مراحل رشد گیاهان در بوستان‌ها هستند. جدول ٤ نمونه‌هایی از این دو نوع رویداد در بوستان‌های شهری را نشان می‌دهد.

برنامه‌ریزی فرهنگی یک رویکرد مکان محور است و بر منابع فرهنگی یک مکان متمرکز است (Ghilardi 2001). اما برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری شامل مراحل مختلفی است که لازم است به ترتیب انجام شوند تا نتیجهٔ مطلوب حاصل شود. شکل ۳ فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری را نشان می‌دهد.

گام اول در برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری، انتخاب میدان مطالعه است. با توجه به هدف تحقیق، لازم است بوستانی انتخاب شود که تعدد و تنوع کافی در زمینهٔ

جدول ۴. رویدادهای بوستان‌های شهری
Table 4. Urban parks events

رویدادها	مثال‌ها
انسانی	پیاده‌روی، دویدن، دوچرخه‌سواری، ورزش گروهی کردن (به عنوان مثال، والیبال، فوتبال، تنیس روی میز، بدمینتون، شطرنج و ...)، نوشیدن، غذا خوردن، خوابیدن، دعا کردن و نماز خواندن، کتاب خواندن، گپ زدن، عکس گرفتن، نشستن، استراحت کردن، ایستادن، منتظر ماندن، آفتاب گرفتن، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها، خرید از فروشندگان، تماشا کردن، خرابکاری
غیرانسانی	شرایط آب و هوایی (به عنوان مثال بارش باران، بارش برف، باد، ...)؛ فعالیت‌های حیوانات (به عنوان مثال، به دنبال غذا رفتن، تعقیب کردن، آواز خواندن، ...)؛ مراحل رشد گیاه (به عنوان مثال، جوانه زدن، شکوفه دادن، گل دادن، میوه دادن، ریختن برگ‌ها، ...)

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

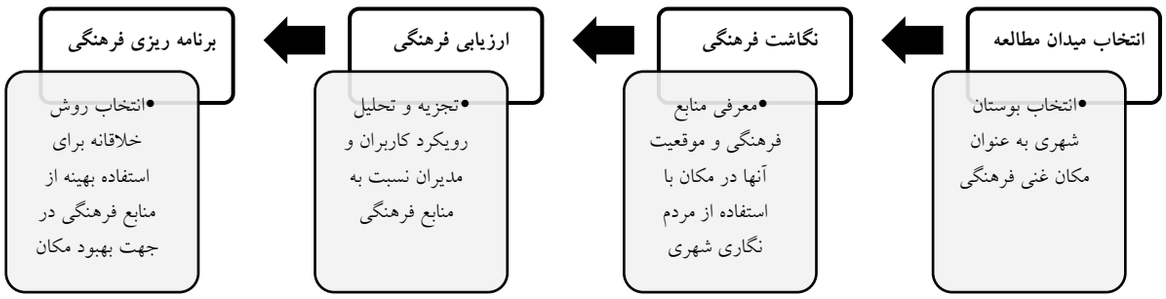

تصویر ۳: فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری
Fig. 3: Cultural planning process of urban parks

عناصر، رویدادها و همچنین معانی و تداعی‌ها برای استفاده‌کنندگان داشته‌باشد. گام دوم، نگاشت فرهنگی است. نگاشت فرهنگی، شناسایی و تجزیه و تحلیل جامع منابع فرهنگی یک جامعه است که از طریق یک فرایند مشارکتی گسترده انجام می‌شود. نگاشت فرهنگی، مرحلهٔ اولیه و مهم در برنامه‌ریزی فرهنگی است (2010 Legacies Now 2010). نگاشت فرهنگی، به معنای استفاده از روش‌های کمی و کیفی برای شناسایی و توضیح منابع فرهنگی محلی است (Bianchini and Ghilardi 2007). جنبهٔ اساسی نگاشت فرهنگی این است که منابع را به عنوان «دارایی» در نظر می‌گیرد و این دارایی‌ها را لیست می‌کند نه کمبودها را. به عبارت دیگر، بر آنچه در یک منطقه وجود دارد تمرکز می‌کند، نه بر آنچه وجود ندارد یا مشکل‌ساز است. اتخاذ چنین «تمرکز داخلی» به معنای به حداقل رساندن نقش نیروهای خارجی نیست؛ بلکه به عنوان یک فرصت برای تأکید بر تعریف، سرمایه‌گذاری، خلاقیت و کنترل محلی است (Ghilardi 2010). نگاشت فرهنگی، به معنای شناسایی، تحت کنترل درآوردن و سپس بهره‌برداری از قابلیت‌ها و از امکانات مبتنی بر منابع فرهنگی یک مکان است. نگاشت فرهنگی روشی است که می‌تواند برای تعریف فعالیت‌های فرهنگی، ظرفیت‌ها و نیازهای یک جامعه مورد استفاده قرار گیرد. چنین طیف گسترده‌ای از نگاشت فرهنگی می‌تواند اطلاعاتی حیاتی را در اختیار سیاست‌گذاران در مورد بهترین روش برای پاسخگویی مؤثرتر به نیازهای محلی قرار دهد و در عین حال فرصت‌ها را به حداکثر برساند (Ghilardi 2005).

آنچه در این مرحله صورت می‌گیرد، شناسایی منابع فرهنگی موجود بوستان شهری مورد مطالعه است. این منابع فرهنگی شامل منابع فرهنگی ملموس (عناصر و رویدادها) و منابع فرهنگی ناملموس (معانی و تداعی‌ها) است. برای شناسایی منابع فرهنگی لازم است از روش مردم‌نگاری شهری استفاده شود. در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، از مردم‌نگاری برای شناسایی عناصر و رویدادهای بوستان‌های شهری استفاده شده است (ر.ک. Ejlali and Anjam Shoa 2012).

گام سوم در برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری، ارزیابی فرهنگی است. بیانکینی (Bianchini 2004) معتقد است آنچه برنامه‌ریزی فرهنگی انجام می‌دهد، آن است که منابع فرهنگی را از طریق فرایند تعامل دو جانبه به سیاست‌گذاری مرتبط می‌کند. گیلاردی (Ghilardi 2001) نیز بر این باور است که رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی موجب می‌شود سیاست‌گذاران و مسئولان شهری در مورد استفاده از منابع فرهنگی محلی برای طیف وسیعی از سیاست‌گذاری به صورت راهبردی فکر کنند. در این مرحله لازم است رابطه‌ای دو جانبه بین منابع فرهنگی بوستان شهری مورد مطالعه و مدیران و مسئولان تاثیرگذار در وضعیت آن بوستان شهری مورد مطالعه قرار گیرد. بنابراین پس از آنکه نگاشت فرهنگی انجام شد؛ یعنی منابع فرهنگی و موقعیت مکانی آن‌ها در بوستان شهری شناسایی شدند، لازم بود رویکرد مدیران و کاربران این بوستان نسبت به این منابع فرهنگی مشخص شود تا دیدگاه‌های آنان و میزان مطابقت این دیدگاه‌ها با یکدیگر تعیین شود. در این راستا، علاوه بر مصاحبه با مدیران و

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

سیاست‌گذاران و نهادهای تأثیرگذار در وضعیت آن بوستان شهری، سیاست‌ها و رویکرد سازمان‌ها و نهادهای متولی آن بوستان شهری نیز مورد ارزیابی قرار گرفت.

گام چهارم و پایانی، برنامه‌ریزی فرهنگی است. برنامه‌ریزی فرهنگی، ترغیب سیاست‌گذاران و مسئولان شهری جهت تفکر راهبردی در مورد استفاده از منابع فرهنگی مکان‌ها به حساب می‌آید (Ghilardi 2001). بنابراین پس از نگاشت فرهنگی و ارزیابی فرهنگی، نوبت به آن می‌رسد تا استفادهٔ بهینه از منابع فرهنگی مکان برای برآورده کردن خواست و نیاز کاربران صورت گیرد. برنامه‌ریزی فرهنگی برای این کار نیاز به تفکر خلاق دارد. همانطور که گیلاردی اشاره می‌کند، برنامه‌ریزی فرهنگی برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع فرهنگی یک مکان به خلاقیت نیاز دارد (Ghilardi 2010). همچنین برنامه‌ریزی فرهنگی از طریق یک فرایند مشورتی / مشارکتی انجام می‌شود (Legacies Now 2010).

برای شروع برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری، ابتدا بوستان شهری مورد نظر انتخاب می‌شود. لازم است اطمینان حاصل شود که بوستان مورد نظر متناسب با نیازهای تمام اقشار جامعه عمل می‌کند و امکانات لازم در آن به میزان کافی وجود دارد. در گام بعدی منابع فرهنگی، شناسایی و مکان‌یابی شوند که این کار از طریق نگاشت فرهنگی انجام می‌شود. در این مرحله، منابع فرهنگی و تداعی‌های مکانی مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس رویکرد کاربران و مدیران بوستان شهری در ارتباط با این منابع فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که این کار از طریق ارزیابی فرهنگی میسر می‌شود. پس از آنکه منابع فرهنگی شناسایی و مکان‌یابی شدند و رویکرد کاربران و مدیران بوستان ارزیابی شد، طیف فرصت‌های تفریحی متناسب با منابع فرهنگی ارائه می‌شود. از این مرحله، لازم است تفکر خلاق برای بهره‌برداری بهینه از منابع فرهنگی در دستور کار قرار گیرد. با توجه به تنوع کاربران به لحاظ سن، جنسیت، قومیت، زبان و تنوع منابع فرهنگی، لازم است انواع مختلف فرصت‌های تفریحی برای برآورده کردن نیازها و خواسته‌های آنان ارائه شود. این تنوع امکانات و تسهیلات تفریحی برای طیف گستردهٔ کاربران طبیعتاً موجب شکل‌گیری تعارض‌ها، مسائل و مشکلات خواهد شد. بنابراین لازم است این موارد شناسایی شوند.

بعضی از این تعارض‌ها، مسائل و مشکلات، اصلی و مهم و نیازمند اقدامات فوری هستند. برای حل این موارد از رویکرد مسائل (مقوله‌ها) استفاده می‌شود. در این رویکرد، ابتدا مسائل اصلی و کلیدی شناسایی می‌شوند. سپس اولویت‌بندی شده و از طریق مشارکت کاربران، مدیران بوستان، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر برای رفع آن‌ها اقدام می‌شود. تعدادی از این تعارض‌ها، مسائل و مشکلات، جزئی هستند که می‌توانند از طریق رویکرد ارگانیک یا تدریجی حل و فصل شوند. این کار نیز به تدریج و با استفاده از مشارکت کاربران و مدیران بوستان و استفاده از ظرفیت منابع فرهنگی انجام می‌شود. پس از حل تعارض‌ها، مسائل و مشکلات، لازم است سلامت، رفاه و بهزیستی کاربران به صورت ویژه در دستور کار باشد. بدین منظور رویکرد توسعهٔ جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از أمور مرتبط با حفظ و نگهداری گیاهان، درختان، حیوانات و فضاهای ساخته شده و همچنین برگزاری رویدادهای مختلف می‌تواند به کاربران واگذار شود. ایجاد نظام مشارکتی برای استفاده از نظرات کاربران در تمام تصمیمات مرتبط با بوستان‌ها و واگذاری مسئولیت به نهادهای مردمی جهت استفادهٔ بهینه از منابع فرهنگی موجب توانمندسازی جامعه، افزایش احساس هویت و حس تعلق کاربران به بوستان‌ها می‌شود و سبب می‌شود که آن‌ها، بوستان‌ها را خانهٔ دوم خود بدانند. با توجه به آنچه گفته شد، شکل ٤ الگوی نهایی برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری را نشان می‌دهد.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

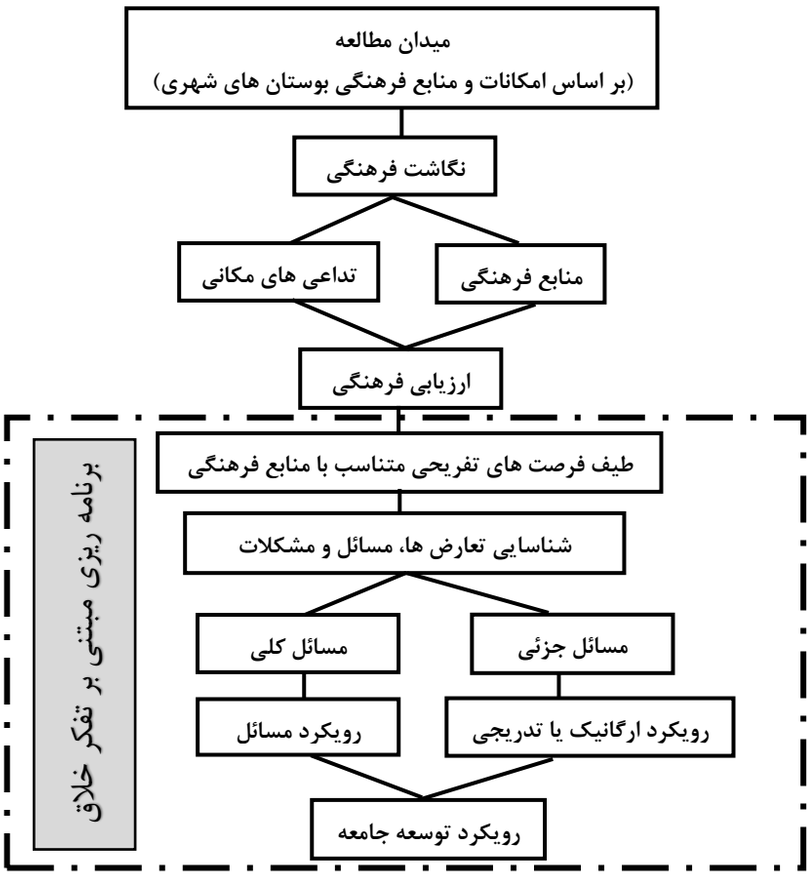

تصویر ۴: الگوی نهایی برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری
Fig. 4: The final model of cultural planning of urban parks

نتیجه‌گیری

مطالعهٔ حاضر در پی یافتن الگویی برای برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری بوده است. در بوستان‌های شهری دو نوع می‌دهند. این رویدادهای انسانی ممکن است تحت تأثیر عناصر انسان‌ساخت، عناصر طبیعی، حسی، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها باشند. این عناصر یاد شده، از مؤلفه‌های منابع فرهنگی ملموس در بوستان‌های شهری هستند. همچنین رویدادهای غیرانسانی مرتبط با شرایط آب و هوایی، فعالیت‌های حیوانات و مراحل رشد گیاهان در بوستان‌های شهری (به عنوان مثال، آواز پرندگان) وجود دارند که می‌توانند در شکل‌گیری رویدادهای انسانی نقش داشته باشند. این رویدادهای غیرانسانی می‌توانند به عنوان منابع فرهنگی ملموس در نظر گرفته شوند. این منابع فرهنگی ملموس رویداد وجود دارد: انسانی و غیرانسانی. رویدادهای انسانی فعالیت‌هایی هستند که افراد در بوستان‌های شهری انجام می‌توانند منجر به شکل‌گیری معانی و تداعی‌ها به عنوان منابع فرهنگی ناملموس شوند. معانی درک شده در بوستان‌های شهری می‌توانند برخی از افراد، حیوانات، گیاهان، اشیاء، مکان‌ها، رویدادها، زمان‌های مشخص یا دوره‌های زمانی خاص یا حتی معانی دیگر را برای کاربران بوستان تداعی کنند. بنابراین، منابع ملموس و ناملموس به عنوان دو بخش منابع فرهنگی، مواد خام برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری است.

برای استفاده از این منابع فرهنگی در برنامه‌ریزی فرهنگی بوستان‌های شهری لازم است مراحلی انجام شود تا

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

نتیجه مطلوب حاصل شود. گام اول انتخاب میدان مطالعه است. با توجه به هدف تحقیق، لازم است بوستانی انتخاب شود که تعدد و تنوع کافی در زمینهٔ عناصر، رویدادها و همچنین معانی و تداعی‌ها برای استفاده‌کنندگان داشته‌باشد. گام دوم، نگاشت فرهنگی است. در این مرحله، شناسایی و تجزیه و تحلیل جامع منابع فرهنگی از طریق روش‌های مختلف کمّی و کیفی انجام می‌شود. منابع فرهنگی موجود در بوستان شهری شامل منابع فرهنگی ملموس (عناصر و رویدادها) و منابع فرهنگی ناملموس (معانی و تداعی‌ها) است که از طریق مردم‌نگاری شهری، قابل شناسایی و تجزیه و تحلیل است. در گام سوم، یعنی ارزیابی فرهنگی، رابطهٔ دو جانبه بین منابع فرهنگی بوستان شهری مورد مطالعه و مدیران و مسئولان تأثیرگذار در وضعیت آن بوستان شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. علاوه بر مصاحبه با مدیران و سیاست‌گذاران و نهادهای تأثیرگذار در وضعیت آن بوستان شهری، لازم است سیاست‌ها و رویکرد سازمان‌ها و نهادهای متولی آن بوستان شهری نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

در گام پایانی و پس از نگاشت فرهنگی و ارزیابی فرهنگی، نوبت به آن می‌رسد تا استفادهٔ بهینه از منابع فرهنگی مکان برای برآورده کردن خواست و نیاز کاربران صورت گیرد. برنامه‌ریزی فرهنگی برای این کار نیاز به تفکر خلاق دارد. ابتدا روش سلسله مراتب امکانات بوستان‌های شهری برای اطمینان از کافی و متناسب بودن امکانات بوستان‌ها نسبت به نیازهای اقشار جامعه به کار گرفته می‌شود. سپس برنامه‌ریزی مبتنی بر منابع فرهنگی و مبتنی بر نگاشت فرهنگی و سپس ارزیابی فرهنگی انجام می‌شود. در ادامه، طیف فرصت‌های تفریحی متناسب با منابع فرهنگی و تنوع کاربران به لحاظ سن، جنسیت، قومیت، زبان و تنوع منابع فرهنگی ارائه می‌شود. در ادامه، تعارض‌ها، مسائل و مشکلات شناسایی خواهند شد. برای تعارض‌ها، مسائل و مشکلات اصلی و مهم که نیازمند اقدامات فوری هستند، از رویکرد مسائل (مقوله‌ها) و برای تعارض‌ها، مسائل و مشکلات جزئی از رویکرد ارگانیک یا تدریجی استفاده می‌شود. پس از حل تعارض‌ها، مسائل و مشکلات، برای ارتقاء سلامت، رفاه و بهزیستی کاربران، رویکرد توسعهٔ جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد که می‌تواند با استفادهٔ بهینه از منابع فرهنگی موجب توانمندسازی جامعه، افزایش احساس هویت و حس تعلق کاربران به بوستان‌ها شود.

فهرست منابع

اجلالی، پرویز؛ انجم شعاع، ریحانه. ۱۳۹۱. زندگی روزمره در پارک‌های شهری: مطالعه مقایسه‌ای پارک‌های تهران و کرمان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳: ۱۱۱-۱٤۸

اسلامی تنها، اصغر. ۱۳۹۳. نظریه پدیدارشناختی فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی. فصلنامه دین و سیاست فرهنگی ۱(۲): ۳۱-۵۹.

الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹٦. معماری و راز جاودانگی. ترجمه مهرداد قیومی. تهران: روزنه.

بلیکی، نورمن. ۱۳۹٦. پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی. ترجمه، تدوین، مقدمه و تعلیقات: سید حمیدرضا حسنی، محمد تقی ایمان سید مسعود ماجدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پارسا، محمد. ۱۳۸۹. زمینه روانشناسی (روانشناسی عمومی). تهران: بعثت.

پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۹۷. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)، از فضا تا مکان. تهران: شهیدی.

پروانه، مریم. ۱۳۹۲. طراحی میادین شهری با رویکرد القای حس مکان (نمونه موردی سبزه میدان رشت). پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری. دانشگاه گیلان.

حاضری، علی محمد، و مهرآئین، مصطفی. ۱۳۸۱. رویکردهای متفاوت در مطالعه فرهنگ با تأکید بر بُعد روش‌شناختی. نامه علوم اجتماعی ۱۷(۲۰):۹۱-۱۱۵

خسروی، شراره؛ عابد سعیدی، ژیلا (۱۳۸۹)، گروه متمرکز، روشی در گردآوری اطلاعات، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۲۳، شماره ٦۸: ۱۹-۳۰

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

دارتیگ، آندره. ۱۳۹٦. پدیدارشناسی چیست. ترجمه محمود نوالی. تهران: سمت.

داوری اردکانی، رضا. ۱۳۸۷. عقل و زمانه؛ گفتگوها. تهران: سخن.

دهخدا، علی اکبر. ۱۳۹۰. لغتنامه دهخدا. تهران: دهخدا.

راپاپورت، آموس. ۱۳۹۲. معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه فرح حبیب. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

رضازاده، راضیه. ۱۳۸۳. بررسی نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم. هنرهای زیبا ۱۸: ۳۷-٤۸.

رهبرنیا، زهرا؛ و مهریزی ثانی، سمیه. ۱۳۸۷. تبیین مرزهای بین عکاسی واقع‌گرایانه، انتزاعی و تجریدی. هنرهای زیبا ۳۳: ۸۵-۹٤.

ستاری، جلال. ۱۳۸۰. فرهنگ: در بی‌دولتی فرهنگ، در گفتگو با علی دهباشی.

شیبانی، ثریا. ۱۳٤۹. چند تعریف از فرهنگ، مجله فرهنگ و زندگی ۲: ۱۱۵- ۱۲۱.

صالحی امیری، سید رضا. ۱۳۹٦. مفاهیم و نظریه های فرهنگی. تهران: ققنوس.

کوکب، سعیده. ۱۳۸۳. پدیده‌شناسی هوسرل، گذار از تجربه سولیپسیستی به تجربه بین‌الاذهانی. فرهنگ اندیشه ۱۲ : ۳۵-٥٤

مداین، سید محمدامین، حقی، علی و جوارشکیان، عباس. ۱۳۹٦. معنای ماهیت و وجود نزد پدیدارشناسی هوسرل و حکمت متعالیه، پژوهش‌های اعتقادی – کلامی ۷ (۲۸): ۱٤۵-۱٦۰.

نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۹۱. معماری: حضور، زبان، مکان. ترجمه علیرضا سیداحمدیان. تهران: معمار نشر.

هال، استیوئرت. ۱۳۹٦. معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نی.

منابع انگلیسی

Alexander, C. 1979. *The timeless way of building*. Oxford University Press

Alexander, C. 2017.*The timeless way of building*. Translated by M. Qayyumi, Tehran: Rozaneh. [In Persian]

Arnold, M. 1869, Culture and anarchy, retrieved from http://public-library.uk/ebooks/25/79.pdf

Bianchini, F. 2004. A crisis in urban creativity? Reflections on the cultural impacts of globalisation, and on the potential of urban cultural policies. Paper presented at the international symposium *The Age of the City: the Challenges for Creative Cites*, Osaka, February 7th-10th.

Bianchini, F.& Ghilardi, L. 2007. *Thinking culturally about place*. Place Branding and Public Diplomacy 3(4)

Blaikie, N. 2017. *Approaches to social enquiry*. Translated by S.H.R. Hasani, M.T. Iman, S.M. Majedi. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]

Burgess, J., Harrison, C.M., & Limb, M. 1988. People, parks and the urban green: A study of popular meanings and values for open spaces in the city. *Urban Studies*, *25*, 455-473.

Campbell, L.K., Svendsen, E.S., Sonti, N.F., & Johnson, M.L. 2016. A social assessment of urban parkland: Analyzing park use and meaning to inform management and resilience planning. *Environmental Science & Policy, 62*, 34–44.

Chiesura, A. 2004. The role of urban parks for the sustainable city. *Landscape and Urban Planning*, *68*, 129–138.

Dartigues, A. 2017. *Quest-ce que la phenomenology*. Translated by M. Navali. Tehran: Samt. [in Persian]

Davari Ardakani, R. 2008. *Wisdom and time; conversations*. Tehran: Sokhan. [In Persian]

Dehkhoda, A.A. 2011. *Dehkhoda dictionary*. Tehran: Dehkhoda. [In Persian]

DeVito, J.A. 2012. The interpersonal communication book. USA: Pearson.

Ejlali, P.; Anjam Shoa, R. 2012. Everyday life in urban parks: A comparative study of Tehran and Kerman parks. Iranian Journal of Sociology, 13 (3), 111-148 [In Persian]

Ellis, S.M. 2011. Intangible cultural resources: values are in the mind. in King, T. F. (ed.), *A companion to cultural resource management*, Blackwell.

Eslami Tanha, A. 2014. Phenomenological theory of culture and cultural policy, *Quarterly Journal of Religion and Cultural Policy* 1 (2), 31-59. [In Persian]

Fitzpatrick, A. 2009. *Cultural planning as an instrument for locating Ontario provincial parks within the valuable landscape of a community*, Master's thesis, the University of Waterloo

Gee, K., & Burkhard, B. 2010. Cultural ecosystem services in the context of offshore wind farming: a case study from the west coast of Schleswig-Holstein. *Ecol. Complexity*, *7*(3), 349–358.

Ghilardi, L. 2001. *Cultural planning and cultural diversity*, In T. Bennett (Ed.), Differing diversities: Cultural policy and cultural diversity (pp. 123–134), Council of Europe Publishing

Ghilardi, L. 2005. *Culture at the centre: Cultural planning*–A strategic approach to successful and sustainable community-

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

based regeneration in Scotland, Noema research and Planning Ltd, London.
Ghilardi, L. 2010. *Ambitious and resourceful cultural planners*, Noema Research and Planning Ltd.
Hall, S. 2017. *Representation: cultural representations and signifying practices*. Translated by A. Golmohammadi. Tehran: Ney. [In Persian]
Harrison, K.D. 2007. *When languages die: The extinction of the world's languages and the erosion of human knowledge*. Oxford: Oxford University Press.
Hazeri, A.M., Mehraein, M. 2002. Different approaches to the study of culture with emphasis on the methodological dimension. *Journal of Social Sciences* 17(20). [In Persian]
King, T.F. 2011. *A companion to cultural resource management*. Blackwell.
Kokab, S. 2004. Husserl's phenomenology, the transition from the solipsistic experience to the intersubjective experience. *Culture of Thought 12* [In Persian]
Krenichyn, K. 2006. The only place to go and be in the city: women talk about exercise, being outdoors, and the meanings of a large urban park. *Health & Place, 12*, 631–643.
Loukil, B., Bouraoui, M., & Donadieu, P. 2010. Urban parks in Tunisia: why and for whom?. *Acta Hortic*, *881*, 759-765.
Madayen, S.M.A., Haghi, A., Javareshkian, A. 2017. The Meaning of essence and existence in Husserl's phenomenology and transcendent wisdom, *Belief-Theological Research* 7 (28), 145-160. [In Persian]
Main, K. 2013. Planting roots in foreign soil? Immigrant place meanings in an urban park. *Journal of Environmental Psychology*, *36*, 291-304.
Manzo, L.C. 2005. For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Psychology*, *25*(1), 67–86.
Mercer, C. 2010. A global view: The cultural turn in urban planning. in G. Baeker, (ed.), *Rediscovering the wealth of places: a municipal cultural planning handbook for Canadian communities*, St Thomas, Ontario, Municipal World Inc.
Monk, G.; Winslade, J.; Sinclair, S. 2008. *New horizons in multicultural counseling*, USA: sage publications.
Morse-Kahn, D. 2011. History as a cultural resource. in King, T. F. (ed.), *A companion to cultural resource management*, Blackwell.
Norberg-Shulz, C. 2012. *Architectur: presence, language, place*. Translated by A. Seyed Ahmadian. Tehran: Publishing Architect. [In Persian]
Pakzad, J. 2018. *An intellectual history of urbanism*. Tehran: Shahidi. [In Persian]
Parsa, M. 2010. *New general psychology*. Tehran: Besat. [In Persian]
Parvaneh, M. 2013. *Design of urban squares with the approach of instilling a sense of place* (a case of Rasht Square). Master Thesis in Urban Design, Guilan University. [In Persian]
Perley, B.C. 2011. Language as an integrated cultural resource. in King, T. F. (ed.), *A companion to cultural resource management*, Blackwell.
Peters, K. 2010. Being together in urban parks: Connecting public space, leisure, and diversity. *Leisure Sciences*, *32*, 418–433.
Rahbarnia, Z.; Mehrizi Thani, S. 2008. Explain the boundaries between realistic, abstract, and abstract photography. Fine Arts 33, 85-94. [In Persian]
Rapoport, A. 1990. *The meaning of the built environment, a nonverbal communication approach*. USA: The University of Arizona Press
Rapoport, A. 2013. *The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach*. Translated by F. Habib. Tehran: Urban Processing and Planning. [In Persian]
Relph, E. C. 1976. *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
Rennit, P., & Maikov, K. 2015. Perceived restoration scale method turned into (used as the) evaluation tool for parks and open green spaces, using Tartu city parks as an example. *City, Territory and Architecture*, *2*(6), 1-11.
Rezazadeh, R. 2004. Investigating the role of architecture in associating meanings and conveying concepts, Fine Arts 18, 37-48. [In Persian]
Salehi Amiri, S.R. 2017. *Cultural concepts and theories*. Tehran: Qoqnus. [In Persian]
Sattari, J. 2001. *Culture: In the statelessness of culture*, in a conversation with Ali Dehbashi. [In Persian]
Sheibani, S. 1970. Some definitions of culture, *Journal of Culture and Life* 2, 115-121. [In Persian]
Smith, D.W., & McIntyre, R. 1982. *Husserl and intentionality: A study of mind, meaning, and language*. Springer.
Stevenson, D. 2005. Cultural planning in Australia: texts and contexts, *The Journal of Arts Management, Law, and Society*, 35(1), 36-48
Stewart, W. 2008. Place meanings in stories of lived experience. in Kruger, L.E.; Hall, T.E.; & Stiefel, M.C. (ed.). *Understanding concepts of place in recreation research and management*. Portland, US Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station.
Tylor, E. 1871. *Primitive Culture: Research into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custum*. London: John Murray.
Williams, R. 1961. *The long revolution*. Chatto & Windus.
Willow, A.J. 2011. Culturally significant natural resources: Where nature and culture meet. in King, T.F. (ed.), *A companion to cultural resource management*. Blackwell.
Worpole, K., Greenhalgh, L. 1995. *Park life: urban parks and social renewal*. UK: Demos.
Wynveen, C. J., Kyle, G.T., & Sutton, S.G. 2010. Place meanings ascribed to marine settings: The case of the Great Barrier Reef Marine Park. *Leisure Sciences*, *32*, 270–287.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]

Yazdani, N. 2017. *Migration, landscape, and culture: urban parks and Iranian immigrants in Melbourne*. Ph.D. Thesis, Deakin University.

Zerlang, M. 2005. The cultural turn in contemporary urban planning. in Østergaard K. ed, *Cultural Planning*, The Royal Danish Academy of Fine Arts School of Architecture.

Zhou, M., Huang, L., Shen, Z. 2018. Community renewal strategy from the perspective of cultural planning: A case study on Caohuajie community in Chongqing International review for spatial planning and sustainable development A: planning strategies and design concepts 6(1).

[DOI: 10.29252/ciauj.5.2.91]